



سوره مبارکه فرقان

جلسه هفتم: ۹۲/۸/۴

- هر خیری در آفرینش به مدل «نماز» است. یعنی:

- ۱- خدا آن را انتخاب کرده است. (محبوب خداست)
- ۲- دارای تفصیل است (وقت/ قبله/ شماره/ طهارت/ ...)
- ۳- در عین تفصیل، ترجیح و اولویت هم وجود دارد.
- ۴- هر جزء تفصیل یافته حد، حدود، محدوده و تعریف خاص دارد.
- ۵- لازم است بر اساس باید و نبایندی (حکمی) انتخاب شود.
- ۶- باید حتماً تحقق خارجی داشته باشد.

- نماز، عمود دین است زیرا هر خیری بر اساس مدل نماز است.
- در عرف روایی و قرآن، نماز را معادل کلّ خیر در نظر گرفته‌اند.
- نظام برکت (انعکاس رحمانیت خدا در تکوین و در زمین)
- راه رسیدن به رحمانیت خدا به وسیله خیرات است که به آن «نظام برکت» گویند.

پیشنهاداتی برای برکت: (نظام خیر)

- ۱) خیرهایی که می‌توانیم انجام بدهیم را شناسایی کنیم. (فهرستی از کارهای خیری که امکان وقوع دارد داشته باشیم)
- ۲) بنای خود را به انجام همه آنها گذاریم. (این مسئله در انسان قصد ایجاد می‌کند) (فعل)
- ۳) هیچ خیری را ولو به ظاهر کوچک، کوچک نشماریم.
- ۴) در تبت خیر، سعی بلیغ به اخلاص داشته باشیم و بقیه انبیاء، اولیاء و ملائکه را تا حد وسعمان شریک کنیم.
- ۵) در اجرای خیر، سعی کنیم هر خیری را به طور کامل انجام دهیم. (کم نگذاریم)
- ۶) «اولویت‌ها» در زندگی به هیچ وجه فراموش نشود.

اولویت

با استعدادها و امکانات ما تناسب داشته باشد (هماهنگی با استعدادها)

کسی که کاری برایش انجام می‌شود لحاظ شود (بر اساس نیاز حقیقی مخاطب باشد)

فعلی که زمان انجامش می‌گذرد و قابلیت قضا کردن ندارد اولویتش بیشتر است (فوری یا غیر فوری بودن/ قضا کردن)

۷) خیلی از خیرها بر هم منطبق‌اند و می‌توان آنها را با نظامی منسجم با هم انجام داد (برنامه‌های طولی) (احتیاج به تفکر دارد و تفکر را باید آموزش داد)

۸) به تدریج به خیرهایی که به او الهام می‌شود توجه وافر داشته باشد/ احتیاج به ملاک‌های قوی دارد.

قوی‌ترین سیستمی که می‌تواند انسان را به برکت متصل کند، غیب است.

۹) بالاترین خیری که خداوند برای انسان قرار داده است، «تقوا» است.

- امام صادق (ع) برای تقویت تقوا فرموده‌اند: هنگام صبح و هنگام خواب درباره تقوا تمرکز کنید. لذا وقتی ملاک تقوا گذاشته می‌شود برای تقویت تقوا دو وقت از مهم‌ترین اوقات به حساب می‌آید که در این دو لازم است توجه بیشتری صورت بگیرد (۱- قبل از خواب ۲- بعد از خواب)

- دعاهای روزها و اوقات روز را یکبار مطالعه کنید و بقیه مواقع آنها را در ذهن خود تداومی کنید.

- یکی از مهم‌ترین خیرات خواب این است که انسان را با مرگ آشنا می‌کند و دوباره به زندگی دعوت می‌کند.

- سخن آخر سوره فرقان این است که «اگر گوهر دعا در شما شکوفا نشود خدا را با شما کاری نیست».

- حضرت علی (ع): «نیت کن ذکر خدا را تا خدا تو را ذکر کند».

- در همنشین با خدا شدن، همه خیرات وجود دارد زیرا همه خیرات در خداست.

- وقتی فرد «ذکر کثیر» داشته باشد، همنشین خدا می‌شود و همه خیرات در نزد فرد حاضر می‌شود.

- آیات ۶۳ تا آخر سوره فرقان: (آیاتی که وصف عبادالرحمان آمده است)

- در روایت آمده است که گوهره و اصل خیر در «تواضع» است و این نشان‌دهنده آن است که تکبر، انسان را از خیر محروم می‌کند.

- انسان هر خیری را انجام نمی‌دهد نوعی تکبر در او وجود دارد.

- تکبر در بروزهای اجتماعی، بسیار واضح است.

- سیمای انبیاء و اولیاء در دعوت مردم به دین، متکبرانه و متوقعانه نیست بلکه کاملاً با تواضع و خشوع است.

- تواضع: یعنی کار را به خاطر امر خدا بودن انجام می‌دهد پس عکس‌العملی هم که باید انجام دهد بر اساس حرف خداست.

- ما نباید خلق‌کننده «بایدها و نبایدها» باشیم بلکه باید مجری باید و نبایدهایی باشیم که صرفاً از ناحیه خداوند صادر می‌شود.

- «تقوا» عکس‌العمل انسان را از رفتار فوری به عکس‌العمل کنترل شده درمی‌آورد.

- باید و نبایدها از ۵ محل ناشی می‌شود: (منابع باید و نباید در نظام ولایی)

۱- باید و نبایدهای فطری: در فطرت ما خوبی، خوب است و بدی، بد است. به اصطلاح می‌گویند خوبی و بدی، حُسن و قُبْح ذاتی دارند.

۲- باید و نبایدهای عقلی: مثال «جان کسی در خطر است»، راست گفتن جان او را می‌گیرد. («عقل» قدرتی در درون است که توان و استطاعت استفاده از اختیار را به فرد عطا می‌کند. که اگر خطا برود جزا و اگر ثواب کند پاداش می‌بیند)

۳- باید و نبایدهای شرعی: نوعاً در فقه جواب داده شده است. همه بایدها و نبایدهایی که در مورد نماز و روزه صادر شده است.

۴- باید و نبایدهای جریان ولایی: (در یک جریان، باید و نباید اتفاق می‌افتد/ اجماع)

۵- باید و نبایدهای حیانی: (اتصال به قرآن و وحی)

- توجه: این باید و نبایدها در مقابل هم نیستند و هر کدام از این‌ها، باید و نباید قبلی را تقویت می‌کند. برای عمل باید از آخر عمل کرد.

- توجه: «عقل»، قدرتی در درون است که توان و استطاعت استفاده فرد از اختیار را عطا می‌کند که اگر خطا برود «جزا» و اگر ثواب کند «پاداش» می‌بیند. در روایات به این عقل، «عقل کفّاف» گویند. یعنی وجود این عقل در فرد مجوز جهنم و بهشت برای اوست. اگر این عقل برداشته شود فرد مستضعف می‌شود نه او را می‌توان به بهشت بُرد و نه به جهنم.

زنگ دوم:

اوصاف خدا از بندگان مؤمن در قرآن:

- | | | |
|--------|---|--|
| مؤمنین | } | ۱- ویژگی‌های فردی آنها ← محسنین |
| | | ۲- ویژگی‌های اجتماعی ← ابرار |
| | | ۳- ویژگی‌های رهبری ← صالحین |
| | | ۴- ویژگی‌های نظام‌سازانه ← عبادالرحمان |
| | | ۵- ویژگی‌های کلی ← متقین |

- تفاوت این اوصاف از بندگان مؤمن در قرآن، به معنای متفاوت بودن آدم‌های آن نیست. مثلاً فرد مُحسن، صالح هم هست و
 - بعضی از واژه‌ها در قرآن در اوصاف مؤمنین، بار خاص دارند. مانند: وصف عبادالرحمان، صالحین، ابرار و
 - پس مهم است که ما بدانیم وقتی از عبادالرحمان سخن می‌گویید یعنی در لایه نظام‌سازی است. زیرا وقتی می‌گوییم آنها کسی را نمی‌کشند و یا زنا نمی‌کنند و ... به این معناست که آنها نظامی تولید نمی‌کنند که قتل نفس و یا زنا و ... در آن نظام صورت گیرد. و این کاری بسیار سخت است.

- وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا (۷۴): این عبارت در وصف عبادالرحمان آمده است. یعنی آنها افرادی را به عنوان امام بقیه متقین پرورش می‌دهند. نظام آنها به گونه‌ای است که در آن نظام، امام‌پروری می‌شود و این مطلب را از خودش شروع می‌کند. اینکه او اعتقاد دارد که مؤمنین احتیاج به امام دارند یعنی نگاهشان، نگاه نظام‌سازانه است.

- اوصاف عبادالرحمان را به عنوان اوصاف شخصی مطرح می‌کند که رأس نظام‌سازی است.

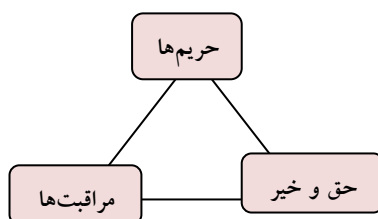
- نظام‌سازی می‌کند یعنی جریان حقی را تولید می‌کند.

- کسی که نظام‌سازی می‌کند:

۱- تعیین حدود و حریم در احکام انجام می‌دهد. یعنی می‌تواند احکام را «ابلاغ» کند/ او حریم‌سازی می‌کند/ حرمت‌سازی(ادب اجتماعی)

۲- مراقبت‌سازی می‌کند/ (او سیستم توجه را تقویت می‌کند) (تقواسازی)

۳- تبیین مواضع حق است و بحث خیر است: } سوق دادن به حق‌شناسی و حق‌گروی
 } سوق دادن به خیرشناسی و خیرگزینی



- خود رهبر به داشتن صفات نیک از دیگران آحقّ (سزاوارتر) است.

- انسانِ والا سزاوارتر است به ترس از جهنم نسبت به دیگران. او از خدا به خاطر اعمال نیکش هیچ توقعی ندارد. او توقع رفتن به بهشت ندارد.

- او خدایی را قائل است که در ازای عمل صالح او حقی به گردن خدا نمی‌افتد.

- خدا، «وجودِ احدِ صمدِ لم یلد و لم یولد» است که سزاوار است برای او هر کس هر چه دارد فدا کند بدون آن که از او ذره‌ای توقع داشته باشد و چون او سبب هر وجودبخشی هر موجودی است پس هر چه خوبی از هر کسی سر می‌زند، از اوست.

- تنها ابتغاء وجه، مقصد فرد است. ← رجا

- تنها از این که به خدا نرسد نگران است. ← خوف

- خصوصیات ساختار و نظامی که توسط عباد ابلاغ می‌شود:

- | | |
|---------------------|---|
| ۱- انفاق بدون اسراف | } |
| ۲- نپرستیدن غیر خدا | |
| ۳- عدم قتل نفس | |
| ۴- عدم زنا | |

- توجه مهم: از مطرح کردن بحث زنا می‌توان پی برد در نظامی که عبادالرحمان می‌سازند، بین زنان و مردان روابط سالم وجود دارد یعنی زنان هم نقش دارند و کار می‌کنند.

- یعنی در نظامی که عبادالرحمان می‌سازند، از فضل روابط بین زن و مرد استفاده می‌شود و از معصیت‌های ناشی جلوگیری می‌شود.

- در این نظام تحقق زوج کریم اتفاق می‌افتد بدون اینکه اسراف در آن اتفاق بیفتد.

- درباره قتل نفس: کینه، بخل، حرص، و حسد و ... عوامل قتل نفس است.

- در نظام الهی افراد به سروری و بزرگی خدا خوش هستند و به همین علت قتل نفس به وجود نمی‌آید در حالی که در نظام‌های

انسانی چون عده‌ای بالا می‌روند و عده‌ای پایین، بیماری‌هایی همچون افسردگی به وجود می‌آید و افراد خودکشی می‌کنند.

- اگر کسی نظامی را ابداع کرد که به واسطه آن نظام افراد بتوانند زور بگویند (یعنی خلاف واقع بگویند) آنکه نظام را ابداع کرده

است «زور» گفته است. مانند نظام منافقین که اقتضای زور داشت.

یا رسول الله دست ما را بهم بگیر

اللهم صل علی محمد و آل محمد و الحمد لله رب العالمین